



پرتو جغتایی

Parto Joghtae



## دختر لژیونر فوتبال در گفت و گوبا «ایران ورزشی»:

# صبا سلیمی: روزی شهرم را صاحب تیم فوتبال می‌کنم!

## گل کوچیک پسران را از پنجره تماشا می‌کردم

از ظرافت زنانه دور باشد. اما به نظر من روش درست این است که ما دختران بتوانیم نشان دهیم که یک دختر با رفتارهای کاملاً زنانه و با پوشش زنانه و همه ظرافت‌های یک زن می‌تواند فوتبالیست باشد. اتفاقاً به نظر من این رسالت دختران فوتبالیست است که نشان دهند فوتبال ورزش مردانه نیست و این برچسب درستی نیست که به این رشته ورزشی چسبانده شده است.

**به ازدواج فکر می‌کنی؟ تصمیمی در این باره داری؟**  
ازدواج موضوع بسیار مهمی است که بالاخره در زندگی هر کسی ممکن است رخ دهد. اما من هنوز تصمیمی برای ازدواج ندارم و به خاطر اهدافی که در سر دارم می‌خواهم تمام تمرکز من روی فوتبال باشد. هدفم این است که بتوانم به روزهای بهتر در فوتبال برسم و خانواده و مردم کشور را سربلند کنم. البته اینطور نیست که اصلاً به ازدواج فکر نکنم! بعد از خانواده و مربیانی که داشتم، دوست همراهی دارم که بسیار به من کمک کرده است و بخشی از موفقیت‌م را مدیون او هستم و خب فکرهايي در این باره داریم.

**اگر روزی صاحب دختر بشوی او را تشویق خواهی کرد که به سمت ورزش حرفه‌ای و به خصوص فوتبال برود؟**  
چرا که نه؟ ورزش حرفه‌ای چالش بسیار خوبی در زندگی است. ورزش از نظر جسمی و روحی برای زندگی لازم است. اگر در آینده صاحب فرزندی بشوم چه دختر و چه پسر حتماً تشویقش می‌کنم که ورزش کند. البته دوست دارم فرزندم به سمت تنیس برود. این رشته را دوست دارم. همانطور که خانواده‌ام همیشه حمایت‌م کردند من هم فرزند یا فرزندانم را حمایت خواهم کرد.

### سقف آرزوهای صبا سلیمی کجاست؟

خب آرزوی من این است که بتوانم در تیم‌های فوتبال بسیار مهم و معتبر اروپایی بازی کنم. برای منی که در شهرم یک تیم فوتبال زنان وجود داشت و توانستم از آن شرایط با موفقیت عبور کنم، پس رسیدن به هیچ آرزویی غیر ممکن نیست. من در تبریز حتی زمین چمنی در اختیار نداشتم که بتوانم تمرین کنم. بعد از اینکه به خوزستان رفتم، مردم مسجد سلیمان بسیار به من لطف داشتند و به من می‌گفتند که تو برای ایران افتخار آفرینی کردی و این برای ما قابل احترام است. من حمایت و توجهات مردم عزیز خوزستان را هرگز از یاد نخواهم برد. من قول می‌دهم که روزی یک فوتبالیست بسیار معروف بشوم و به تبریز بازگردم و بتوانم یک تیم فوتبال زنان در تبریز تأسیس کنم تا استعداد‌های گمنام فوتبال زنان در این شهر به هدر نرود. از طرفی دلم می‌خواهد به تمام دنیا ثابت کنم که زنان هم پایه‌پای مردان به موفقیت‌های بزرگ دست پیدا می‌کند و افتخار آفرین باشند. ما زنان آنقدر قوی هستیم که می‌توانیم بهترین و بزرگترین موفقیت‌ها را رقم بزنیم.

**زمانی که به تیم عراقی رفتی، با توجه به سن و سال کمی که داشتی، دوری از خانواده سخت نبود؟**  
من خوشبختانه خانواده‌ای دارم که سرسختانه حامی من هستند و من را تشویق می‌کنند. هرگز در زندگی چه ورزشی و چه تحصیلی من را تنها نگذاشته و همیشه حمایت‌م کرده‌اند. من ابتدا قرار بود به تیم استقلال خوزستان بپیوندم که این اتفاق رخ نداد و اولین دوری من از خانواده باید در عراق رقم می‌خورد. خانواده من به اهواز آمدند که نزدیک من باشند. و من سعی می‌کردم تعطیلاتم را به اهواز بیایم و در کنار خانواده‌ام باشم. همیشه ممنون خانواده‌ام هستم که به خاطر من کارشان را به اهواز انتقال دادند و در کنارم بودند.

**وضعیت فوتبال زنان را چطور می‌بینی؟ تصور می‌کنی به موازات موفقیت‌هایی که دختران فوتبال ایران به دست آورده‌اند، حمایت‌ها نیز بیشتر شده است؟**

من در شهری فوتبال را آغاز کردم که تیم فوتبال زنان ندارد. حامیان مالی کافی وجود ندارد. بانوان ما آنطور که باید مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. رسانه‌ها توجه کافی ندارند و عدم پخش مسابقات فوتبال و فوتسال زنان و البته رشته‌های دیگر در بخش زنان به ما ضربه زده است. اطمینان داشته باشید اگر عرصه‌ای برای نمایش موفقیت‌های ما وجود داشته باشد، رسانه‌ها توجه بیشتری کنند، حامیان مالی هم به مرور به سمت حمایت از ورزش زنان کشیده می‌شوند و آن وقت نه فقط دو لژیونر که فوتبال ایران پتانسیل دارد در بخش زنان چندین و چند صبا سلیمی و گلنوش خسروی داشته باشد.

**توجهات فدراسیون فوتبال به بخش زنان چطور است؟**

خب میزان اهمیتی که به فوتبال زنان داده می‌شود، سال به سال بهتر شده است. اما در واقع باید اذعان کنم که ما نیاز به توجه و حمایت و اعزام‌های بیشتری داریم. ما بارها نشان داده‌ایم که چیزی کمتر از مردان نداریم و اگر همانقدر که به مردان اهمیت داده می‌شود، به زنان هم توجه شود توفیق‌های بیشتری خواهیم داشت. ما ثابت کردیم که می‌توانیم و تنها نیاز به مقداری دقت و توجه بیشتر داریم.

**برخی تصورات درباره دختران فوتسالیست و فوتبالیست وجود دارد مبنی بر اینکه دخترانی که در این رشته فعالیت می‌کنند، روحیات مردانه دارند و سعی می‌کنند شبیه پسران رفتار کنند و منشی مردانه داشته باشند. این موضوع چقدر واقعیت دارد؟**

خب واقعیت این است که برخی‌ها هستند که اینگونه فکر می‌کنند و خودشان هم باور کرده‌اند که فوتبال ورزش مردانه است و فوتبال بازی کردن فعلی مردانه است. برای همین شاید گاهی رفتارهایی کنند که

در این رشته داشت. این مربی در تیم‌های شهرداری تبریز و جمشیدی راد سرمربی من بود. همیشه گفته و می‌گویم که فوتبالم را مدیون این مربی هستم و خواهم بود.

**چرا از بین رشته‌های ورزشی به سراغ فوتبال رفتی؟ نگران آینده مبهم این رشته نبودی؟**

خب من از کودکی به فوتبال علاقه داشتم. زمانی که پسر بچه‌ها در کوچه فوتبال بازی می‌کردند از پنجره، فوتبال (گل کوچیک) بازی کردن آنها را نگاه می‌کردم. خیلی دوست داشتم فوتبالیست شوم اما در ابتدا کاراته ورزش من بود و تا ۱۳ سالگی کاراته‌کا بودم. کمربند بین‌المللی دان سه هم از کشور ترکیه گرفتم و مقام‌های بین‌المللی هم در کاراته دارم. اما واقعیت این است که عشق من فوتبال بود و در نهایت تصمیم گرفتم به سمت رشته‌ای بروم که علاقه واقعی من است. البته همیشه لایه‌لای فعالیت‌م در رشته کاراته، با دوستانم به سالن فوتسال می‌رفتم و فوتسال هم بازی می‌کردم. در نهایت وقتی چهارده ساله بودم برای اولین بار با تیم شهرداری تبریز قرارداد بستم و به طور رسمی فعالیت‌م در رشته فوتسال آغاز شد. علاقه من از کودکی همراهم بود و همیشه دلم می‌خواست در این رشته فعالیت کنم و در نهایت هم محقق شد و خوشحالم که به دنبال علاقه خودم رفتم.

**در این سال‌ها که حرفه‌ای فوتبال بازی می‌کنی، الگو هم داشتی؟ یعنی بازیکنی بود ایرانی یا خارجی که علاقه‌مند به بازی‌اش باشی و سعی کنی از این بازیکن الگو برداری کنی؟**

در فوتبال خارجی علاقه‌مند به «جولی فودی» هستم. بازیکن تیم ملی فوتبال زنان آمریکا که بی‌نظیر است و فوتبال را بسیار زیبا بازی می‌کند. در کل خیلی پیگیر فوتبال نیستم اما مسابقات خارجی را معمولاً تماشا می‌کنم و سعی می‌کنم الگو برداری کنم.

### ماجرای لژیونر شدنت را برایمان بگو.

داستان لژیونر شدن من واقعاً لذت‌بخش است. زمانی که از فوتسال به فوتبال تغییر رشته دادم اصلاً تصور نمی‌کردم بتوانم به موفقیت اینچنینی برسم و لژیونر شوم. بدون هیچ کم و کاستی و بدون دردسری با پیشنهاد خوبی از تیم القطان عراق مواجه شدم. این اولین تجربه من در تیم باشگاهی فوتبال بود. در واقع من بعد از فوتسال، اولین تیم باشگاهی که در آن فوتبال بازی کردم، تیم عراق بود و این اتفاق بزرگی برای من محسوب می‌شد. حالا هم به تیم باکو پیوستم و این هم برای من شیرین است. در این راه حمایت خانواده‌ام را هم داشتم و البته دوستی داشتم که همیشه من را تشویق می‌کرد که باید به آرزوهای بزرگ فکر کنم. این دوست همیشه حامی من بود در مواقع شکست‌ها دست من را گرفت و از زمین بلند کرد و در ماجرای لژیونر شدن هم بسیار من را راهنمایی کرد و از او ممنونم.

مدت‌هاست دیگر تعجب نمی‌کنیم و حیرت‌زده نمی‌شویم از اینکه خبری از موفقیت‌ها و درخشش‌های دختران ورزشکار ایرانی بخوانیم و ببینیم. حالا دیگر دختران ورزشکار ایران با سپری کردن مسیرهای سخت و راه‌های دشوار، خود را در عرصه درون و برون مرزی ورزش اثبات کرده‌اند و کمتر کسی می‌تواند چشم خود را به روی توفیق‌های این دختران ببندد. زمانی که نزدیک به ۱۵ سال قبل فوتبال زنان ایران فعالیت رسمی خود را در ایران آغاز کرد، کمتر کسی متصور بود که چند سال بعد و پس از آنکه فوتبال و فوتسال زنان روزهای سختی را پشت سر بگذارد، فوتبالیست‌های ایران بتوانند به لیگ‌های خارجی زنان راه پیدا کنند و لژیونر شوند. شاید برای همین است که هنوز هم مجموعه ورزش ایران مفتخر می‌شود به اینکه دختران ایرانی می‌توانند به عنوان یک زن ایرانی با حجاب اسلامی در تیم‌های غیر ایرانی توپ بزنند و پرچمدار دختران و زنان ایران زمین باشند. پس از «گلنوش خسروی» که با ۱۸ سال سن و پس از ترانسفر شدن به لیگ فوتبال ترکیه، لقب جوان‌ترین لژیونر تاریخ فوتبال ایران را به خود اختصاص داد، حالا به سراغ دیگر دختر لژیونر فوتبال زنان ایران، «صبا سلیمی» رفتم. فوتبالیست ۲۳ ساله‌ای که اخیراً با تیمی در کشور آذربایجان قرارداد امضا کرده است و پس از حضور در یک تیم عراقی، حالا قرار است فصل جدید زندگی فوتبالی خود را در باکو بگذراند. گپ و گفت دوستانه ما با صبا سلیمی خالی از لطف نیست.

**خودت را برای خوانندگان روزنامه «ایران ورزشی» معرفی کن.**

من در سوم آبان ۱۳۷۶ در تبریز متولد شدم. زمانی که چهارده ساله بودم، فوتبال را به عنوان ورزش حرفه‌ای آغاز کردم. البته در ابتدا فوتسال بازی می‌کردم و تا سال ۹۶ فوتسالیست بودم. در تیم‌های فوتسال ماشین‌سازی تبریز، انصار ولایت تبریز، جمشیدی راد، شهرداری و هلال احمر تبریز توپ می‌زدم. سال ۹۷ مریم آزمون برای انتخابی اردوهای تیم ملی به تبریز آمده بود تا ضمن تماشای مسابقات لیگ برتر فوتسال زنان، بازیکنانی را مد نظر قرار بدهد و آنها را به اردوی تیم ملی فوتبال دعوت کند. آن زمان نظر مریم آزمون به بازی من جلب و موجب شد که من به فوتبال روی بیاورم. همان زمان یعنی در سال ۹۷ وارد تیم فوتبال بزرگسالن شدم. سال قبل در تیم القطان عراق بازی می‌کردم و امسال هم با تیم باکو قرارداد بسته‌ام و قرار است در فصل آتی با پیراهن این تیم به میدان بروم. پیش از اینکه به عراق بروم در تیم‌های شهرم تبریز بازی می‌کردم. در این بین از یاد نمی‌برم که «سیما علیزاده» مربی فوتبال من بود که تمام دوران فوتبالم را مدیون او هستم. مربی عزیز و زحمتکشی که نقشی بسیار مهم در موفقیت من و رشد